



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۲۰

استاد اسحاق نگارگر

این جا عیسی ها همه یهودا شده اند!

میگویند کلیسای روم از لئوناردو داوینچی نقاش معروف خواسته بود تابلوی شام آخر مسیح را نقاشی کند. داوینچی در تلاش پیدا کردن چهره به روحانیت و معصومیت مسیح بود تا در میان گروهی که در کلیسا دسته جمعی آواز میخواندند جوانی را با همان روحانیت و معصومیت یافت و او را با خود برد و تصویرش را برای شام آخر مسیح نقاشی کرد. اما در این شام یهودای اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد نیز حضور داشت و داوینچی برای تصویر یهودا قیافه ای را کار داشت که خیانت و خیانت از سرا پای آن بیارد و هر چه میگشت نمی یافت. سه سال گذشت و کلیسای روم بر داوینچی فشار می آورد که کارتابلو را تمام کند تا بالاخره در یکی از ویرانه های شهرمردی را دید که از بس مست بود سر از پا نمیشناخت و داوینچی در او همه خاصیت های یهودا را یافت و به شاگردان خود گفت که او را به کارگاه نقاشی اش ببرند. او را بردند و وقتی داخل کارگاه شد تصویر معصوم خود را دید و گفت:

«من قبلاً آن تصویر را دیده ام.» شاگردان گفتند: «امکان ندارد چون آن تصویر از اینجا بیرون نرفته است.» مرد مست پاسخ داد چند سال قبل آن گاه که الکل و مستی مرا از خدا جدا نکرده بود این جا آمده بودم تا از من به عنوان مسیح تصویر برداری کنند.

این حکایت را با خود داشته باشید که در زبان دری میگوئیم هر چه در کان نمک بیفتد نمک میشود. من میدانم چه کسی گفته است که سیاست یک بازی کثیف است. اوشاید به این دلیل سیاست را بازی کثیف خوانده باشد که در برخی از جوامع سیاستمداران قصدی جز فریفتن مردم ندارند. اینان گفته های سخت نقیض نسبت به همدیگر تحویل میدهند و انتظار دارند که مردم هر چه از ایشان می شنوند بدون چون و چرا بپذیرند و همین گونه سیاستمداران استند که سیاست را یک بازی کثیف میسازند و قصدشان از سیاست ارشاد و رهبری مردم بسوی خیر و فلاح نیست و در محیط و ماحول این گونه سیاست است که رهبران فرصت طلب و ابن الوقت استند به مردم نیز یاد میدهند که نان خود را به نرخ روز بخورند و از هر سو که باد وزید خرمن را همان سو بادکنند. این سیاستمداران در چارچوب حزب و عقیده نمی گنجند و اصولاً مرامنامه سیاسی ندارند و به مردم از شعار های گلی که محلی از تطبیق ندارد صحبت میکنند. درد را تشخیص نداده اند و درمان را نیز نمیشناسند ولی داد میزنند که قصد ما نجات مردم است از این یا آن مصیبت گریبانگیر اما نمیگویند که به طور مثال چرا و چگونه آن مصیبت بر جامعه مستولی شد و چه کار ها برای جلوگیری از آن ممکن بود که صورت نپذیرفت و آن چه ما میکنیم با آنچه دیگران پیش از ما کرده اند چه تفاوتی ماهوی خواهد داشت.

پنجاه سال در این جامعه تخم دروغ و ریاکاری کاشته اند و اینک در دنیای سیاست غیر از دروغ، ریاکاری و فریفتن مردم چیزی نمیروید. اینجا عیسی ها همه به یهوداها بدل شده اند. در این مُرداب درخت صدق و راستی که میوه اش رهبری چون مندیلا باشد رُستنی نیست.

آری اگر رهبری چون مندیلا بیاید اولین شغل سیاسی اش همین خواهد بود که این مُرداب را پاک کند؛ خاک آلوده اش را دور بریزد و در آن خاکی که برای کشت تقوی؛ فضیلت و راستی مساعد باشد بریزد و به مردم بفهماند که سیاست همین دیده درایی و مردم فریبی نیست بلکه سیاست ایجاد تغییر مطلوب و حاکم ساختن پرنسیپهای عدالت و قانون است.

در سیاست حرفهای گلی و فاقد محتوی در کار نیست بلکه مرامنامه در کار است. سیاستمدار باید به مردم بگوید که در دوران چهار سال کار خود چند در صد جامعه را در زمینه های اقتصاد؛ معارف؛ بی نیازی از کمکهای پُر از غرض و مرض بهبود تلقی ها نسبت به مهارت های زنان و غیره رو به جلو می برد. نه این که بگویند افغانستان را نجات میدهیم ولی نگویند که نجات از چه چیز؛ چه گونه و با کدام اقدامات مشخص. یکی پیدا نمی شود که بگوید «من کم از کم ده تن را که مسؤل مصیبت های امروز استند در سطح ملی محاکمه و جریان را از همه منابع نشراتی پخش میکنم. آنان که دیروز خود از کرسی اقتدار پائین آمده اند یا پائین ساخته شده اند می آیند و

در ذهن مردم شک ایجاد می کنند ولی کار این شک ایجاد کردن ها هر گز به تحقیق و محاکمه نمی کشد و شکهای به وجود آمده از ذهن ها زُدوده نمیشود.
سیاست ضرورتاً بازی کثیف نیست ولی در ه رجاکه عیسی های صادق به یهودا های کاذب بدل شوند سیاست ناگزیر به کثیف ترین بازی ممکن بدل میشود. آری یهودا های ریا کار فاقد اعتقاد سیاسی را که هر روز اعتقادی دیگر دارند از رینگ بوکسینگ سیاست بیرون اندازید و از حافظ بشنوید که:

تخمِ دیگر به کف آریم و بکاریم از نو کآنچه کِشتیم زخجلت نتوان کرد دَرَو

اگر مرد میدان سیاست استید این طویله های اوجیاس سیاست را که بوی آن سخت دماغ آزار شده است پاک کنید. نه از این بنالید و نه از آن فقط از خود بنالید که به نیروی آفرینندگی و ابتکار این مردم صبور و قانع اعتماد نکرده اید.
والله اعلم بالصواب

نگارگریستم جنوری ۲۰۱۹ برمنگهم